

تبیین حق ولایت الهی در مناشدات امیرالمومنین (ع) با تأکید بر مناشده در روز شورا (یوم الشوری)

علی اصغر قربانی^۱

جواد سلیمانی امیری^۲

چکیده

ولایت و حاکمیت بر مردم، به‌طور ذاتی و اوّلی در انحصار خدای متعال است. او این حقّ خویش را در اختیار برگزیدگان، یعنی پیامبران و اوصیای آنان (ع)، قرار داده است. فضایل و امتیازات بیان‌شده در قرآن کریم و روایات نبوی (ص) در شأن امامان اهل‌بیت (ع)، گویای شایستگی آنان - و نه دیگران - در برخورداری از این حق الهی است. امیرالمومنین (ع) با تبیین فضایل خویش در قالب احتجاج و مناشده، پیگیر حق و تکلیف الهی خویش بود و از آن کوتاه نیامد - حتی الامکان؛ چنانکه پس از خلافت نیز، مناشدات روشنگرانه را ادامه داد. مناشده حضرت در روز شورا (یوم الشوری) از مهم‌ترین مناشدات ایشان پیش از خلافت خویش است. هدف این پژوهش، بازیابی و بررسی تطبیقی این مناشده در منابع فریقین است. این تحقیق به روش توصیفی تطبیقی و گردآوری مطالب به‌صورت کتابخانه‌ای سامان یافته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از تلاش‌های رفتاری و گفتاری امیرالمومنین (ع) در مسیر دستیابی به حق و تکلیف الهی خود در ولایت بر مردم است؛ که این امر، از جمله با تبیین فضایل اختصاصی خود در قالب مناشدات و به‌ویژه مناشده در روز شورا انجام گرفته بود.

واژگان کلیدی

حق، ولایت، فضایل، امیرالمومنین (ع)، مناشده، یوم الشوری.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم؛ دانشجوی دکتری تاریخ تشیع اثنی‌عشری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

Email: aqorbani@anjomedu.ir

۲. دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: soleymaniamiri@iki.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۲۹ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۷/۱۸

طرح مسأله

ولایت و حاکمیت بر بندگان در انحصار خدای متعال است و او حق ولایت خویش را در اختیار برگزیدگان، پیامبران و امامان(ع)، قرار داده است. فضایل و امتیازات بیان‌شده در قرآن کریم و روایات نبوی در شأن اهل بیت(ع)، بیانگر شایستگی آنان در برخوردارگی از این حق سپرده الهی است. پیامبر اسلام(ص) و اهل بیت ایشان(ع) در معرفی و پاس‌داری از ولایت امامان معصوم(ع)، بیانات و اقدامات درخور انجام داده‌اند. امیرمومنان علی(ع) نیز خود برای این منظور از شیوه‌های گوناگونی از جمله احتجاج و مناشده بهره برده است. آن حضرت چه پیش از خلافت ظاهری و چه پس از آن، از این روش‌ها برای تبیین و پاس‌داشت حق الهی خویش استفاده نموده است. «مناشده»، گونه‌ای بیان است که گوینده برای اقرار گرفتن از مخاطب درباره مطلبی، او را سوگند می‌دهد و از او اقرار می‌خواهد. چنین بیانی در فرمایش‌های اهل بیت(ع) از نظر اعتقادی و تاریخی ارزش مهمی دارد.

درباره پیشینه تحقیق در موضوع مناشده‌های امیرالمومنین(ع)، می‌توان از جمله به این موارد اشاره کرد: *الغدیر* علامه امینی، که زیر عنوان «المناشده و الإحتجاج بحديث الغدير الشريف» (ج ۱، ص ۳۲۷-۴۲۱) موارد زیادی از مناشده‌ها و احتجاج‌های حضرت علی(ع) و دیگران نسبت به حدیث غدیر آمده است؛ «تحلیل رویکردهای حدیثی علامه امینی پیرامون احادیث مناشده در کتاب الغدیر»، محمدتقی دیباری و دیگران؛ «یوم الرجه و تحلیل مواجهه شاهدان غدیر خم با آن»، باقرزاده و حسینی؛ «مناشدات علی(ع) و یارانش»، طیبه قاسمی؛ پایان‌نامه «بررسی احادیث مناشده» امیر توحیدی.

چنانکه پیداست موارد یادشده در بالا، یا مربوط به حدیث شریف غدیر، یا در کتاب *الغدیر*، یا در روز رجه و یا بررسی کلی مناشدات است؛ ولی مناشده مورد بحث در این مقاله، بیش‌تر با تمرکز به مناشده در روز شورای شش نفره عمر برای تعیین خلیفه سوم است، که در تحقیقی مستقل و نوآورانه، به بررسی و تطبیق آن در منابع فریقین پرداخته شده است.

درباره ضرورت تحقیق گفتنی است: ولایت امام علی(ع) در ادامه ولایت پیامبر(ص)

بوده و این، حقی الهی بود و حضرت، نمی توانست از حق و تکلیف الهی روی برگرداند و آن را در اختیار دیگران قرار دهد. بنابراین، واکاوی تلاش های حضرت در تبیین این امر، چه پیش از خلافت ظاهری و چه پس از آن امری لازم می نماید؛ از جمله باید به رفتار (شرکت در شورا) و گفتار حضرت در داستان شورای شش نفره عمر در تعیین خلیفه پرداخته شود. آن حضرت در فرمایش هایی که در آن بازه زمانی محدود داشت، برای اثبات ولایت اختصاصی و الهی خود، فضایل ممتازانه اش را با انجام مناشدات بر اعضای شورا و مردم یادآور شد و بدین ترتیب، حجت را بر همگان تمام نمود؛ که منابع فریقین با نقل مناشده «یوم الشوری» به این امر اذعان نموده اند. تبیین این مناشده با بهره گیری تطبیقی از منابع فریقین ضروری می نماید.

سؤال اصلی: حق ولایت الهی برآمده از فضایل انحصاری، در مناشدات امیرالمومنین (ع)، با تأکید بر مناشده در روز شُورا (یوم الشوری) در منابع فریقین چگونه تبیین شده است؟

سؤالات فرعی:

- ۱- مناشده و تفاوت آن با احتجاج چیست؟
- ۲- اهل بیت (ع) و یاران ایشان برای اثبات فضایل و ولایت آنان چه مناشداتی داشتند؟
- ۳- مناشدات امیرالمومنین (ع) به ویژه مناشده ایشان در روز شورا برای دستیابی به حق ولایت الهی خویش در منابع فریقین چگونه تبیین شده است؟

۱. مناشده و تفاوت آن با احتجاج

مُنَاشِدَةٌ از ریشه «نشد»، مصدر باب مفاعله و جمع آن مُنَاشِدَات است. مناشده یعنی خواست و درخواست چیزی. هدف از مناشده، اثبات چیزی و گواهی گرفتن بر آن است. «نَشَدْتُكَ بِاللَّهِ» و «نَاشَدْتُكَ اللَّهُ» به معنای «سَأَلْتُكَ بِاللَّهِ» است: با سوگند به خدا از تو درخواست کردم (الفراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۴۳). در لسان العرب معنای آن جملات، درخواست چیزی با صدای بلند و با سوگند به خدا، بیان شده است: «نَشَدْتُكَ بِاللَّهِ مَعْنَاهُ: طَلَبْتُ إِلَيْكَ بِاللَّهِ بَرَفْعِ نَشِيدِي أَيْ صَوْتِي ...» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۲۲).
گفتنی است احتجاج نیز همچون مناشده، دلیل آوردن بر مدعایی است؛ با این تفاوت

که مناشده، احتجاجی درون‌دینی (با مسلمانان) و با صیغه مناشده و استشهاد از آنان است، ولی احتجاج اعم از با مسلمانان و جز آنان بوده و بدون ساختار مناشده‌ای است؛ بنابراین مناشده احتجاجی است با مسلمانان، در ساختار سوگندانه و درخواست گواهی و اقرار بر حقیقتی.

همچنین احتجاج و مناشده، هر دو برای اتمام حجت انجام می‌شوند؛ ولی شاید توان گفت که در مناشده، یک‌گونه ناله‌ی فریادرسی، دادخواهی و ستم‌دیدگی هم نهفته است؛ چنانکه این معنا در بیان امام حسن مجتبی (ع) مبنی بر اتمام حجت امیرالمومنین (ع) و پاسخ منفی مخاطبان نمایان است. بدین بیان که پس از صلح ناچاری و واگذاری خلافت به معاویه، وی بالای منبر رفت و بادروغ گفت: «حسن بن علی [ع] مرا شایسته خلافت دید و خود را نه». آنگاه امام مجتبی (ع) در قسمتی از خطبه مفصلی که در ردّ این دروغ‌پردازی معاویه و تاکید بر فضایل اختصاصی قرآنی اهل بیت (ع) و حق ولایت الهی امامان (ع) فرموده، با اشاره به مناشده امیرالمومنین (ع)، دلیل تن‌دادن امامان (ع) به واگذاری حق خویش به دیگران را، بی‌یاوری آنان عنوان فرموده است. شیخ طوسی با سلسله سندهای خود، فرمایش امام مجتبی (ع) را گزارش کرده است. در سند منتهی به ابی‌عمر زاذان آمده است: «... و قد کفّ أبی یده حین ناشدهم و استغاث، فلم یُعْث ...» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۶۰، ح ۱۱۷۳ (مجلس ۲۰، ح ۹). در سند دیگری، امام زین‌العابدین (ع) آن خطبه را به‌طور مفصل نقل فرموده، که در قسمتی از آن آمده است: «... و قد کفّ أبی یده و ناشدهم و استغاث أصحابه، فلم یُعْث و لم یُنصر؛ و لو وجد علیهم أعوانا، ما أجاہم ...» (همان، ص ۵۶۶، ح ۱۱۷۴ (مجلس ۲۱): و پدرم نیز دست از جنگ برداشت و اصحابش را سوگند داد و از آنان یاری خواست، ولی کسی او را یاری نکرد، و به فریادش نرسیدند؛ و اگر یارانی داشت، دست از جنگ نمی‌کشید.

۲. مناشده اهل بیت (ع) و اصحاب و نیز احتجاج مخالفان در خصوص فضایل آنان

مناشده‌های اهل بیت (ع) و اصحاب و نیز احتجاج‌های مخالفان درباره فضایل آن حضرات، در منابع شیعه و سنی موجود است. احادیث مناشده‌ی حضرت امیرالمومنین (ع)

بخشی از آنها را تشکیل می‌دهد. علامه امینی احتجاج‌ها و مناشده‌های بسیاری را از جمله از خود آن حضرت در اثبات امامت و خلافت بلافصل ایشان با استناد به منابع گوناگون فریقین گردآوری نموده است (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۹۶؛ نیز ر.ک: دیاری، ۱۴۰۰، ص ۱۳۳-۱۶۵).

اهل بیت (ع) در موقعیت‌های مختلف به بیان فضایل خود به گونه‌های مختلف از جمله مناشده و احتجاج اقدام می‌نمودند. امام حسین (ع) یک یا دو سال پیش از مرگ معاویه برای بیش از هفتصد (در / احتجاج: بیش از هزار) مرد حاضر در «منا» خطبه‌ای فرمود و در آن به بیان همه آیات و روایات نبوی که در شأن اهل بیت (ع) وارد شده، پرداخت. پیش از آن به جمعیت حاضر فرمود که من می‌خواهم در مورد چیزهایی از شما پرسیم؛ اگر راست گفتم، مرا تصدیق کنید و اگر دروغ گفتم، مرا تکذیب کنید. همه این موارد، مورد تصدیق و گواهی صحابه و تابعین قرار گرفت. سپس امام (ع) آنان را سوگند داد که این حقایق بیان شده را به افراد مطمئن در شهرها و قبیله‌های خود ابلاغ کنند (سُلیم بن قیس، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۸۸-۷۹۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۹۶).

اصحاب امامان (ع) نیز در مورد حقانیت اهل بیت (ع) با دیگران مناشده کرده‌اند. نمونه‌ای از آن، مناشده محمد بن ابی‌بکر (۱۰-۳۸ق) -تربیت یافته در خانه امیرالمومنین علی (ع) و یار وفادار ایشان- با خواهرش عایشه درباره یگانگی و پیوند همیشگی حقیقت و علی (ع) است که خواهر، سخن برادر را تایید و تصدیق می‌کند. حافظ ابن مردویه (۴۱۰ق)، نویسنده و محدث نام‌دار اهل تسنن، از عایشه نقل می‌کند که آن‌هنگام که شتر عایشه پی شد و او به خانه‌ای در بصره داخل شد، برادرش به او گفت: تو را به خدا سوگند، آیا آن روز را یادت هست که روایتی از پیامبر (ص) به من نقل کردی که او فرموده بود: پیوسته و همیشه حق با علی (ع) و علی (ع) با حق است؛ آن دو هرگز از هم مختلف و جدا نمی‌شوند؟: «أنشدک الله أ تذکرین یوم حدیثتی عن النبی صلی الله علیه و سلم أنه قال: «الحق لن یزال مع علی، و علی مع الحق لن یختلفا و لن یفترقا؟!» قالت: نعم.» (ابن مردویه، ۱۴۲۴ق، ص ۱۶۴، ح ۲۰۵).

همچنین ابن مردویه مناشده مسروق -[بن أجدع بن مالک، ابو عایشه همدانی کوفی (۶۳ق)] تابعی مفسر، فقیه و عابدی که علم را از حضرت علی بن ابی طالب (ع)

فراگرفت و در همه جنگ‌های حضرت در سپاه او بود (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۹۱؛ برای آشنایی بیشتر، ر.ک: همان، تا ص ۴۰۳) - با عایشه درباره کشنده خوارج، که از پیامبر(ص) خبر غیبی آن را شنیده بود، نقل کرده است. مسروق می‌گوید: نزد عایشه رفتم، پرسید: چه کسی خوارج را کشت؟ گفتم: علی(ع) آنان را کشت. ساکت ماند. اینجا مسروق احساس می‌کند که او خبری نهانی از پیامبر(ص) در این باره دارد؛ به همین سبب باسوگند به خدا و حق پیامبرش(ص)، از او می‌خواهد تا شنیده‌اش را گزارش کند. پس عایشه می‌گوید: از پیامبر خدا(ص) شنیدم که فرمود: آنان بدترین آفریدگان‌اند (ابن مردویه، همان، ص ۱۷۰، ح ۲۲۹). در حدیث پسین که همو از عایشه نقل می‌کند، آمده است: آن حضرت(ص) فرمود: آنان بدترین آفریدگان‌اند و بهترین و بزرگ‌ترین وسیله در میان آفریدگان نزد خدای متعال در روز قیامت، آنان را می‌کشد: "فقاتل لی: «من قتل الخوارج؟» فقلت: قتلهم علی، قال: فسکت، قال: فقاتل: سمعت رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول: «هم شرّ الخلیفه، یقتلهم خیر الخلق و أعظمهم عند الله تعالی یوم القیامه و سیله»" (همان، ح ۲۳۰).

حتی برخی مخالفان یا دشمنان اهل بیت(ع) نیز در اثبات امامت بلافضل امیرالمومنین(ع) به آیات و روایات گوناگون از جمله آیه ولایت و حدیث غدیر استناد نموده‌اند. از جمله آنها می‌توان به احتجاج‌های عمروبن عاص بر معاویه و مأمون عباسی بر فقها به حدیث غدیر و احتجاج عمر بن عبدالعزیز اموی اشاره کرد (ر.ک: امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۰۳، ۴۱۷ و ۴۱۸).

۳. مناشده‌های امیرالمومنین(ع) پیش از خلافت ایشان و تا روز شورا

۳.۱. با مردم در مسجد پیامبر(ص)

طبق نقل سلمان فارسی، امیرمومنان(ع) با جماعت مسلمانان و مهاجران و انصار حاضر در مسجد رسول خدا(ص) پس از وفات آن حضرت(ص) مناشده نمود. در این مناشده، مردم، همه، فرمایش‌های حضرت را تصدیق کردند (سُلیم، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۸۹، ح ۴؛ امینی، همان، ص ۳۲۷).

گفتنی است علامه در *الغدیر* در موارد متعدد از کتاب سلیم حدیث نقل کرده است.

طبق بیان علامه، سلیم از تابعین بزرگ بود و کتابش از اصول مشهور و متداول از زمان‌های قدیم بوده، که نزد محدثان فریقین و تاریخ‌نویسان مورد اعتماد بوده است. او افزون بر اختصاص دو صفحه -پاورقی- در معرفی سلیم و کتابش، از «رساله» ای هم یاد می‌کند که جداگانه در اهمیت و اعتبار آن کتاب، نوشته است (امینی، همان، ج ۱، ص ۳۹۴-۳۹۵، پاورقی). البته توجه داریم که از لحاظ مطلب یا اعتبار، برخی تشکیک‌ها به این کتاب شده؛ ولی پاسخ آنها نیز داده شده است (از جمله، ر.ک: انتصاری و یوسفی، ۱۳۸۹/۱۱/۵). /سرار آل محمد (ص) و سلیم بن قیس کتاب تازه‌ای است که در آن با دید انتقادی به سلیم، ابان (راوی سلیم) و کتاب سلیم از جمله به چاپ نسبتاً جدید آن در سه جلد -که فقط جلد دوم، در بردارنده متن احادیث است- پرداخته شده است (ر.ک: استادی، ۱۴۰۰). ناگفته نماند که پاسخ برخی پرسش‌ها یا تشکیک‌های این کتاب تازه، پیش‌تر به وسیله محقق کتاب سه جلدی یادشده و بعدها شارح *أبھی المداد* با استناد به نوشته‌ی همان محقق و منابع دیگر داده شده بود (ر.ک: سلیم، ۱۴۱۵ق، ج ۱؛ مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۵۰۶-۵۴۲).

۳. ۲. با ابوبکر

امیرالمومنین (ع) طبق نقل امام باقر (ع) از جدّ بزرگوارشان (ع) مناسده‌ای با ابوبکر داشت. در نقل مفصل شیخ صدوق، حضرت امیرالمومنین (ع) در احتجاج با ابوبکر ۳۳ فضیلت و منقبت خود را در قالب ۳۳ مناسده (أشدک بالله ...) می‌شمارد و در مورد تک-تک آنها از ابوبکر درخواست سوگندانه دارد که آیا آنها در شأن کدام‌شان است؛ که او تک‌تک آنها را تصدیق و گواهی می‌کند که همه آن ویژگی‌ها و امتیازات برای حضرت علی (ع) است. سپس وی متأثر می‌شود و وعده می‌کند که به مسجد برود و در آنجا خلافت را به آن حضرت بازگرداند؛ ولی عمر او را از تصمیمش باز می‌دارد (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۴۸-۵۵۳، ح ۳۰؛ بحرانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۰؛ سیدمحمدحسین طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۶، ص ۱۸).

۳.۳. در خانه مهاجران و انصار

مناشده دیگر امیرالمومنین (ع) در خانه مهاجران و انصار بدری بود (سُلیم، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۸۰-۵۸۱ و ۵۸۳، ح ۴). طبق این روایت که از سلمان نقل شده، امیرالمومنین (ع) در حالی که حضرت فاطمه (ع) را سوار بر چهارپایی نموده و دستان دو پسرش حسن و حسین (ع) را در دست داشت، به خانه تک تک مهاجران و انصار بدری رفته، حق خود را به آنان یادآوری و آنان را به یاری خویش فراخوانده است. آن حضرت این عمل را سه شب متوالی انجام داد و به گفته سلمان، تنها او، ابوذر، مقداد و زبیر با سر تراشیده (طبق فرمان حضرت) آمادگی خویش بر یاری حضرت و ستاندن حق ایشان تا پای جان را اعلام نمودند. حضرت امیر (ع) در شب دوم با چهل نفری که به بیعت خود با حضرت وفادار نمانده و صبح گاه نیامده بودند، مناشده کرد (فَنَاشَدَهُمْ). در نقل ماجرا از زبان مبارک خود حضرت امیر (ع) آمده است که وقتی کار جمع کردن قرآن را به پایان رساندم، دست فاطمه (ع) و دو پسر، حسن (ع) و حسین (ع) را گرفته، نزد اهل بدر و سابقان رفتم و با آنان درباره حقم مناشده کردم و آنان را به یاری ام دعوت نمودم. پس جز چهار نفر، سلمان، عمار، مقداد و ابوذر کسی اجابت نکرد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۳۲۸). طبق برخی منابع اهل تسنن این کمک‌خواهی به‌همراهی حضرت زهرا (س)، تنها از انصار بوده است (ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۹).

۳.۴. یوم الشوری

۳.۴.۱. شرکت در شورا، گام عملی در مسیر دست‌یابی به حق ولایت الهی

از جمله اقدامات امیرالمومنین (ع) در پاسداری از حق و تکلیف ولایت الهی خویش، شرکت در شورای عمر بود. آن حضرت با وجود علم به ندادن خلافت از سوی شورا به ایشان (بلادری، ۱۴۰۰ق، ج ۵، ص ۵۰۵؛ ۱۹۳۶م، ج ۵، ص ۱۹)، در این شورا شرکت فرمود، تا نگویند که او خود، خلافت را نمی‌خواست (عسکری، ۱۴۲۴ق، ص ۱۴۴). می‌توان گفت این شرکت، همچنین، دوراندیشی و تدبیری بود برای خلافت پس از عثمان؛ و اگر این حضور نبود، فرصت طلبان، همان را مستمسکی بر نخواستن خلافت و حق‌نداشتن بر آن، تلقی می‌کردند. از همین‌جاست که هیتمی خلافت را پس از «اٹمه سه گانه»، به‌طور حقیقی و

به اتفاق اهل حل و عقد برای حضرت علی (ع) می‌داند و به نقل از شرح مقاصد می‌نویسد: اجماع بر خلافت حضرت علی (ع) منعقد شد و وجه انعقادش در زمان شورا بود؛ زیرا خلافت یا برای او بود یا عثمان. طبق این اجماع، اگر عثمان نبود، خلافت برای حضرت علی (ع) بود. وی می‌نویسد: به همین سبب است که امام الحرمین گفته است: هیچ اهمیتی بر قول کسی نیست که بگوید اجماعی بر امامت حضرت علی (ع) وجود نداشت؛ همانا امامت او هرگز انکار نمی‌شود و هجوم فتنه‌ها به امور دیگری مربوط می‌شد (ابن حجر، ۱۴۲۵ق، ص ۱۵۰).

۳. ۴. ۲. انجام مناشدات، گفتاری روشنگرانه در مسیر دستیابی به حق ولایت

الهی

مناشده امیرمومنان (ع) در روز شورا، مربوط به سال ۲۳ یا آغاز ۲۴ است. این مناشده در منابع شیعه، به ویژه / احتجاج به نقل از امام باقر (ع) - که طولانی و مفصل بیان شده - (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۴۵) و نیز اهل تسنن، از جمله در شرح خطبه ۷۳ آمده است (ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ص ۱۶۶-۱۶۸). شماره این خطبه در نسخه صبحی صالح، ۷۴ است (۱۴۱۴ق، ص ۱۰۲). سیدبن طاووس (۶۶۴ق) پس از نقل حدیث ابوذر درباره مناشده امیرالمومنین (ع) - با دنباله بسیاری در بیان امتیازات و ویژگی‌های خود (ع)، که در المناقب خوارزمی (۵۶۸ق) نیامده - می‌نویسد: به روایت خوارزمی، علی بن ابی طالب (ع) در آن روز مناظره و احتجاجی بیش از این با آنان نمود و با «هفتاد» منقبت از مناقب خویش احتجاج فرمود (ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۴۱۶). سید در این کتاب، به سبب تقیه، خود را «عبدالمحمود» معرفی می‌کند (همان، مقدمه، ص ۱۰). حدیث ابوذر به نقل از خوارزمی خواهد آمد.

المناقب خطیب خوارزمی حنفی - معروف به اخطب خوارزم (انصاری، ۱۳۹۰) - از کتب اهل سنتی است که در آن، حدیث مناشده نسبتاً کامل تر نقل شده است. این کتاب، منبع عالمان فریقین در نقل احادیث گشته است. درباره نسخه و چاپ این کتاب گفتنی است سیزده نسخه خطی از این کتاب نام برده شده (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۸۵-۵۸۷) و پس از چاپ سنگی در تبریز (۱۳۱۳ق) دو چاپ یکی در نجف (۱۳۸۸ق) و دیگری در قم

انجام گرفته است. چاپ قم بر اساس دو نسخه «اصلی»، وزیری و رضوی است (اخطب خوارزم، ۱۴۱۱ق، ص ۵، محقق). نسخه کتابخانه وزیری در قرن ششم و رضوی گویا در قرن دهم نوشته شده است (همان، مقدمه، ص ۲۶-۲۷). انصاری یک نسخه قدیمی از این کتاب را در کتابخانه آمبروزیانا در میلان دیده است. این نسخه متعلق به زیدیان یمن است و تاریخ نوشتن آن ۷۶۰ قمری بوده و بسیار کهنه است؛ گرچه از نسخه وزیری کهنه‌تر نیست (انصاری، ۱۳۹۰). توجه داشته باشیم که چاپ نجف از لحاظ عدم اهتمام به متن، تطبیق نصوص آن بر نسخ و مراجعه به مصادر حدیثی مورد اشکال قرار گرفته و همچون چاپ سنگی آن، دارای افتادگی‌های بسیار دانسته شده است (اخطب خوارزم، ۱۴۱۱ق، مقدمه، ص ۲۶). با اذعان به بهتری چاپ قم نسبت به نجف، همان نیز از دقت نظر و نقادی به‌دورنمانده و دارای «اغلاط» خوانده شده است (انصاری، ۱۳۹۰).

حدیث‌های مناشده در *المناقب* از دو صحابی نقل شده است؛ ابوظیفیل عامر بن واثله (حدود ۱۰۰ق) صحابی پیامبر (ص) و از سپاهیان امیرالمومنین (ع) در سه جنگ، و ابوذر (۳۲ق) از یاران ویژه پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع). در *المناقب* چاپ نجف «دو حدیث» مناشده‌ای از ابوظیفیل، یکی به دنبال دیگری آمده است؛ یکی دارای ۲۸ فضیلت ویژه امام علی (ع) و دومی ۲۳. در حدیث دوم، واژه مربوط به مناشده تنها یک بار، در آغاز برشماری این امتیازات آمده است: «انشدکم الله أیها الخمسة...». این حدیث دومی بدون سند جداگانه آمده و خوارزمی بی‌فاصله پس از پایان حدیث نخست -در سطر بعد- آن را نوشته است (ر.ک: اخطب خوارزم، ۱۳۸۸ق، ص ۲۲۱-۲۲۴ و ۲۲۴-۲۲۵) -البته سند آن به نقل از *الطرائف* خواهد آمد. در *المناقب* چاپ قم، خود حدیث نخست حذف و سلسله سند آن، برای دومی آورده شده است (اخطب خوارزم، ۱۴۱۱ق، ص ۳۱۳، ح ۳۱۴؛ نیز ر.ک: ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۴۱۱-۴۱۳)؛ چنانکه در *فرائد* حموئی شافعی (۷۳۰ق) می‌باشد (حموئی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۳۱۹-۳۲۲). آغاز دو حدیث ابوظیفیل به نقل خوارزمی، به ترتیب، چنین آمده است: «كنت مع علی [ع] فی البیت یوم الشوری ...»؛ «كنت علی الباب یوم الشوری ...».

در *الغدیر* آغاز حدیث مناشده در روز شورا به نقل از *المناقب* - (ص ۲۱۷) - به صورت

ترکیبی از آن دو آمده است: «كنت على الباب يوم الشورى مع على عليه السلام فى البيت...». علامه امینی، که هدفش بیان احتجاجات و مناشدات در خصوص حدیث غدیر بوده، تنها حدیث اول را - که شامل ۲۸ مناشده است - و از آن هم، فقط تا هفتمین مناشده (حدیث معروف غدیر با دعای پیش) را نقل نموده است (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۲۸). سلسله سند مندرج در *الغدیر* همان سلسله‌ی در کتاب اصلی *(المناقب)* است، با اختلافی اندک؛ که آن افزودگی یک واسطه در *الغدیر*، «الحارث بن محمد»، است: «حدثني زافر بن سليمان حدثني الحارث بن محمد عن أبي الطفيل» به جای «حدثني زافر بن سليمان بن الحرث [حج قم: الحارث] بن محمد عن أبي الطفيل».

حدیث دوم ابوظیفیل (۲۳ فضیلت)، در *الطرائف* - که گویا تنها همین حدیث از ابوظیفیل در روز شورا در آن کتاب آمده - به طور **مستند** نقل شده، و یکی از راویان، «الحرث بن محمد» است: «ما رواه أبو بكر أحمد بن موسى بن مردويه فى كتابه و هو من أعيان أئمتهم و رواه أيضا المسمى عندهم صدر الأئمة أخطب خطباء خوارزم موفق بن أحمد المكي ثم الخوارزمي فى كتاب الأربعين قال عن الإمام الطبراني حدثنا سعيد الرازي قال حدثنا محمد بن حميد قال حدثنا زافر بن سليمان قال حدثنا الحرث بن محمد عن أبي الطفيل عامر بن واثله قال كنت على الباب يوم الشورى فارتفعت الأصوات بينهم فسمعت عليا يقول بايع الناس أبابكر...» (ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۴۱۱).

گفتنی است در *لسان المیزان* ابن حجر (۸۵۲ق) در شناسایی «الحارث بن محمد»ی که واسطه میان زافر و ابوظیفیل در نقل حدیث دوم ابوظیفیل که در این کتاب آمده، حارث، مجهول و آن حدیث غیر صحیح اعلام شده (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۵۶-۱۵۷، ش ۶۹۱)؛ البته علامه امینی پاسخ را به خوبی و درستی داده است؛ از جمله اینکه خوارزمی این حدیث را از «ائمه حفاظ» اهل تسنن نقل کرده است (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۳۳-۳۳۴). ناگفته نماند ابن حجر این حدیث را کامل نقل نکرده، و آن مقدار هم که نقل شده، کمی متفاوت است؛ از جمله اینکه: به جای یک بار مناشده، چند فضیلت با مناشده‌های جدا آمده؛ نیز به جای «لا أسمع و لا أطيع أن عمر جعلنى...»، «أسمع و أطيع» آمده است.

آن طور که در سلسله سند حدیث مناشده در *المناقب* خوارزمی آمده است، سعد بن

عبدالله مروزی شافعی، شیخ حدیثی خوارزمی - که از همدان با او مکاتبه داشت - این حدیث را از دو طریق به او خبر داده است. گفتنی است شمار قابل توجهی از روایان این سلسله، حدیث را با واژه «حدثنی» از دیگری نقل کرده‌اند، که معرف طریق «سماع» در «تحمل حدیث» است؛ طریقی که از نظر عموم محدثان، معتبرترین طریق تحمل است (هدایت پناه، ۱۳۹۵، ص ۲۲).

افزودنی است پیش‌تر ابن مغزالی (۴۸۳ق) شافعی یا مالکی - محقق مناقب، این را راجح دانسته (ابن مغزالی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۰) - در منطقه‌ای دیگر (واسط عراق) همان حدیث نخست ابوظیفیل را، که همانند آن تک‌تک فضایل دارای مناشده‌ای جداگانه است، با سلسله سند دیگری نقل کرده بوده؛ البته دارای ۲۹ مورد؛ یعنی با یک فضیلت مناشده‌ای بیشتر (حدیث معروف «منزلت») در میان فضایل (ابن مغزالی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۳۶-۱۴۰، ح ۱۵۵؛ همو، ۱۴۲۷ق، ص ۱۸۲-۱۹۰، ح ۱۵۸). توجه داریم که این کتاب با دو نام شناخته می‌شود: مناقب الإمام علی بن ابی طالب (ع) و مناقب أهل البيت (ع) - که با هر یک از این دو نام نیز جداگانه چاپ و منتشر شده است.

۳. ۴. ۲. ۱. حدیث ابوظیفیل

۳. ۴. ۲. ۱. مناشده یکم

یکمین حدیث «ابوظیفیل» در المناقب (اخطب خوارزم، ۱۳۸۸ق، ص ۲۲۱-۲۲۴)، و در مناقب (ابن مغزالی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۳۶-۱۴۰، ح ۱۵۵؛ همو، ۱۴۲۷ق، ص ۱۸۲-۱۹۰، ح ۱۵۸) و الغدیر (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۲۸)، چنین است:

من در روز شورا همراه با علی (ع) در خانه [محل شورا] بودم و شنیدم که به آنان فرمود: من حتماً حتماً به چیزی بر شما احتجاج خواهم نمود که هیچ فرد عرب و غیر عربی از شما نتواند آن را دگرگون سازد. سپس حضرت (ع) ویژگی‌های ممتاز خود را در قالب مناشده‌های جداگانه، به آنان برمی‌شمارد و آنان نیز تک‌تک آنها را تصدیق و تایید می‌نمایند. این موارد عبارتند از: ۱- پیش‌گامی در یگانه‌پرستی ۲- برادرش جعفر طیار ۳- عمویش حمزه سیدالشهداء ۴- همسرش فاطمه زهرا (ع) سرور زنان اهل بهشت ۵- دو سبطش، حسن و حسین (ع) دو سرور جوانان اهل بهشت ۶- ده بار نجوا با پیامبر (ص)

هر بار با تقدیم صدقه ۷- حدیث نبوی [غدیر] «من كنت مولاه فعلىّ مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره [این جمله در نقل ابن مغزالی نیست] لیبلغ الشاهد الغائب» ۸- حدیث «طیر»: دعای پیامبر (ص) از خدا برای رسیدن و خوردن محبوب‌ترین آفریدگان نزد خدا از غذای پرنده ۹- فرمایش پیامبر (ص) [در فتح خیبر] به اینکه فردا پرچم (رایه) را به کسی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند ۱۰- فرمایش پیامبر (ص) به بنو ولیعۀ که اگر از مخالفت دست‌برندارید، مردی را به سوی شما بر می‌انگیزم که مانند جان من است (نفسه کنفسی)؛ پیروی از او پیروی از من و نافرمانی به او نافرمانی به من است [در این باره به حدیث مستند نسائی (۳۰۳ق) صاحب سنن، از صحاح شش‌گانه اهل تسنن، زیر عنوان "ذکر قوله ص: «علیّ کنفسی»" نگاه کنید (نسائی، ۱۳۸۲، ص ۸۲، ح ۷۱)] ۱۱- فرمایش پیامبر (ص) به اینکه دروغ می‌گوید کسی که گمان می‌کند مرا دوست دارد، درحالی که با او (علیّ ع) دشمنی می‌ورزد ۱۲- سلام سه‌هزار فرشته از جمله جبرئیل، میکائیل و اسرافیل در یک ساعت [در شب جنگ بدر] ۱۳- سخن جبرئیل [آن‌هنگام که علیّ ع) پرچم‌داران سپاه کفر را در جنگ احد کشت] که این است معنای حقیقی «مواسات» (یاری رساندن از دل و جان)؛ سپس پیامبر (ص) فرمود: «او از من است و من از اویم» و جبرئیل (ع) گفت: «من هم از شما دوتایم» ۱۴- ندای آسمانی «هیچ شمشیری جز ذوالفقار و هیچ جوان‌مردی جز علیّ ع) نیست ۱۵- پیش‌گویی پیامبر (ص) درباره جنگ حضرت علیّ ع) با «ناکثین و قاسطین و مارقین» ۱۶- خطاب پیامبر (ص) به علیّ ع) که من بر تنزیل قرآن جنگیدم و تو بر تأویل قرآن می‌جنگی ۱۷- بازگرداندن خورشید (ردّ الشمس) برای خواندن نماز عصر در وقتش ۱۸- ماموریت علیّ ع) در گرفتن [سوره] برائت از ابوبکر [و ابلاغ آن به اهل مکه] و فرمایش پیامبر (ص) در این باره: آن را از سوی من جز علیّ ع) نباید برساند: «إنّه لا یؤدی عنی إلاّ علیّ» ۱۹- حدیث «منزلت»: تو نزد من به منزله هارون نسبت به موسی هستی، جز این که پس از من هیچ پیامبری نخواهد آمد [این مورد در المناقب خوارزمی نیامده است] ۲۰- خطاب پیامبر (ص) به علیّ ع) که جز مومن تو را دوست نمی‌دارد و جز کافر با تو دشمنی نمی‌ورزد ۲۱- ماموریت «الهی» پیامبر (ص) در بستن در خانه‌های دیگران و

باز نمودن در خانه علی (ع) ۲۲- برگزیدن خدای متعال تنها حضرت علی (ع) را برای نجوای پیامبر (ص) با او در روز طائف ۲۳- فرمایش پیامبر (ع) در معیت و پیوستگی حق و علی (ع) ۲۴- یادکرد حدیث نبوی ثقلین، «کتاب الله و عترتی» ۲۵- خوابیدن در بستر پیامبر (ص) به جای ایشان برای حفاظت از جان حضرت (ص) در برابر مشرکان [لیله المبيت] ۲۶- یگانه پاسخ‌ده به مبارز خواهی عمرو بن عبدود ۲۷- نزول «آیه تطهیر» درباره ایشان (ع) ۲۸- خطاب پیامبر (ص) به علی (ع) که تو سرور عرب هستی ۲۹- خطاب پیامبر (ص) به علی (ع) که هیچ درخواستی از خدا نکردم مگر آنکه مانند همان را برای تو درخواست نمودم.

۳. ۴. ۲. ۱. ۲. مناشده دوم

دومین حدیث «ابوظفیل» در المناقب (اخطب خوارزم، ۱۳۸۸ق، ص ۲۲۴-۲۲۵؛ همو، ۱۴۱۱ق، ص ۳۱۳، ح ۳۱۴)، و در الطرائف (ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۴۱۱-۴۱۳)، چنین است:

ابوظفیل گفت: من در روز شورا دربان بودم. صدای میان آنان بلند شد؛ شنیدم که علی (ع) فرمود: زمانی مردم با ابوبکر بیعت کردند، درحالی که به خدا سوگند من از او به این کار سزاوارتر بودم و حق با من بود؛ ولی از ترس اینکه مردم به کفر باز گردند و گردن یکدیگر را با شمشیر بزنند، گوش کردم و اطاعت نمودم. سپس ابوبکر برای عمر بیعت گرفت، درحالی که به خدا سوگند حق با من بود؛ ولی باز از ترس اینکه مردم به کفرشان باز گردند، گوش کردم و اطاعت نمودم. امروز شما می‌خواهید با عثمان بیعت کنید؛ من نمی‌پذیرم که عمر مرا به‌عنوان یکی از شش نفر قراردادده است (... ثم أنتم تریدون أن تبایعوا لعثمان إذا لا أسمع و لا أطیع ان عمر جعلنی فی خمس نفر أنا سادسهم). سپس حضرت امیر (ع) ۲۳ فضیلت اختصاصی خود را به آن پنج نفر دیگر برمی‌شمارد و آنان تک‌تک این فضایل را تصدیق می‌کنند که برای اوست. این موارد عبارتند از:

- ۱- برادر پیامبر خدا (ص) ۲- برادرش جعفر طیار ۳- عمویش حمزه ۴- پسر عمویش پیامبر خدا (ص) ۵- همسرش، فاطمه (ع) دختر پیامبر خدا (ص)، سرور زنان این امت ۶- فرزندان، حسن و حسین (ع)، دو سبط این امت و دو پسر پیامبر خدا (ص) ۷- گشنده

مشرکان قریش ۸- پیش گامی در یگانه پرستی ۹- نماز گزار به دو قبله ۱۰. فرمان خدای متعال به «مودت» او ۱۱- غسل دهنده پیامبر خدا (ص) ۱۲- تنها اجازه دار حضور جنابتی در مسجد [حدیث نبوی به نقل از أم سلمه (ره) با طریق اهل تسنن: آگاه باشید که مسجد من بر هر زن حائض و مرد جنب حرام است، جز بر محمد (ص) و اهل بیتش: علی، فاطمه، حسن و حسین (مظفر، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۱۱۶). توجه داریم که باز گذاشتن در خانه علی (ع) و اجازه حضور جنابتی در مسجد، نشان دهنده طهارت درونی اهل بیت (ع) است (ر.ک: همان، ص ۱۰۷-۱۱۶)] ۱۳- بازگرداندن خورشید (رد الشمس) ۱۴- حدیث «طیر» و درخواست پیامبر (ص) از خدا برای آمدن محبوب ترین آفریدگان در نزد خدا و خوردن از غذای پرنده همراه با آن حضرت (ص) ۱۵- بیشترین گشنده مشرکان به هنگام نزول هر سختی [در جنگ ها] بر پیامبر خدا (ص) ۱۶- خوابیدن در بستر پیامبر خدا (ص) و جان نثاری بر ایشان ۱۷- او و همسرش، فاطمه (س) تنها گیرندگان خمس ۱۸- تنها دارنده سهمی در خاص و سهمی در عام ۱۹- مطهر خوانده شده از سوی کتاب خدا، که بدین سبب، به فرمان خدای متعال در خانه همه بسته و در خانه آن حضرت (ع) باز شد ۲۰- تمام کردن نور خدا از آسمان [به ایشان]، هنگامی که فرمود: «پس حق نزدیکان را ادا کن» (روم، ۳۸) ۲۱- نجوا با پیامبر خدا (ص) شانزده بار، وقتی که آیه نازل شد (مجادله، ۱۲) ۲۲- بستن چشمان پیامبر خدا (ص) به هنگام رحلت ۲۳- در قبر گذاشتن پیامبر خدا (ص).

۳. ۴. ۲. حدیث ابوذر

خوارزمی همچنین با سلسله سند خود، مناسده حضرت علی (ع) را از طریق صحابی گرامی، «ابوذر» نقل می کند. این خبر، از جمله روایات زمخشری از سمان است که خطیب خوارزمی در کتابش آورده است. به گفته ابوذر: اولین روز بیعت برای عثمان بود که مهاجران و انصار در مسجد اجتماع کرده بودند؛ میانشان اختلاف افتاده بود و کشمکش (منازعه) بسیار شده بود [این جمله در المناقب چاپ قم نیامده است]. وقتی امیرالمومنین (ع) آمد و مردم او را دیدند، همگی شادمان شدند. آنگاه ابوذر خطبه آغازین حضرت (ع) خطاب به جمعیت مسلمانان را نقل می کند - این خطبه در المناقب چاپ قم بسیار بیشتر از نجفی آن است. سپس او از مناسده امیرالمومنین (ع) با جمعیت یاد می کند که ایشان هفت

فضیلت اختصاصی و ممتاز خود را نام برده و آنان تک تک موارد را تایید نمودند؛ غالب این موارد (شش یا پنج مورد) با مناشده‌های جداگانه آمده است (ر.ک: اخطب خوارزمی، ۱۳۸۸ق، ص ۲۱۳-۲۱۴؛ همو، ۱۴۱۱ق، ص ۲۹۹-۳۰۲، ح ۲۹۶؛ نیز ر.ک: ابن طاووس، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۴۱۳-۴۱۶). این موارد عبارتند از:

۱- سخن جبرئیل (ع) خطاب به پیامبر (ص) که هیچ شمشیری نیست جز ذوالفقار و هیچ جوان مردی نیست جز علی (ع)

۲- پیام جبرئیل (ع) خطاب به پیامبر (ص) که خدای متعال فرمان می‌دهد علی (ع) و محبان او را دوست بدار؛ همانا خداوند او را دوست می‌دارد.

۳- فرمایش پیامبر اکرم (ص) از شب معراج که «وقتی به آسمان هفتم برده شدم، با رفرهایی [فرش‌ها] از نور بالا رفتم و سپس از حجاب‌های نور گذشتم». آنگاه پیامبر (ص) به درگاه الهی راه یافت و خداوند سفارش‌هایی به او فرمود. پس هنگامی که خواست برگردد، یک منادی از ورای حجاب‌ها ندا داد: چه خوب پدری است پدر تو ابراهیم (ع) و چه خوب برادری است برادر تو علی (ع)، او را وصی خود قرار ده: «... نعم الاب ابوک ابراهیم، و نعم الاخ اخوک علی و استوص به». در اینجا بود که عبدالرحمن بن عوف از میان جمعیت گفت: من آن را از پیامبر خدا (ص) شنیدم؛ و گرنه، هر دو گوشم کرباد [در نقلی دیگر از حدیث مناشده روز شورا، همین شخص کلام حضرت امیر (ع) را قطع می‌کند و ... (ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۶۸)]

۴- تنهافرادی که اجازه داخل شدن به مسجد باحال جنابت داشت [گذشت، که این نشانه و گواه بر طهارت درونی ایشان است]

۵- پیامبر (ص) درهای مسجد به خانه‌های دیگران را بست، ولی برای او را باز گذاشت

۶- حدیث «منزلت»

۷- وقتی رسول خدا (ص) حسن و حسین (ع) را گرفت [آماده‌ی کشتی گرفتنشان کرد]، حسن (ع) را تشویق می‌کرد. فاطمه (س) گفت: ای پیامبر خدا! حسین (ع) کوچک‌تر و ضعیف‌تر از اوست. پس پیامبر (ص) به او فرمود: آیا خشنود نیستی که من حسن را تشویق می‌کنم و جبرئیل حسین را؟: «ألا ترضین ان أقول أنا هی یا حسن، و یقول جبرئیل هی یا

حسین؟». آنگاه امیرمومنان (ع) فرمود: آیا برای کسی از شما مانند این منزلت وجود دارد؟ امیرمومنان (ع) پس از این مناشدات فرمود: ما صبرکنندگانیم تا خداوند، در این بیعت، کاری را که می‌بایست انجام شود، تحقق بخشد: «نحن صابرون ليقضى الله في هذه البيعة امرا كان مفعولا». این فرمایش با اشاره به آیه شریف است که: «... لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ (انفال، ۴۲)؛ که خداوند، کاری را که می‌بایست انجام شود، تحقق بخشد؛ تا آنها که هلاک (و گمراه) می‌شوند، از روی اتمام حجت باشد؛ و آنها که زنده می‌شوند (و هدایت می‌یابند)، از روی دلیل روشن باشد؛ و خداوند شنوا و داناست».

نتیجه‌گیری

- ۱- احتجاج و مناشده، هر دو، دلیل آوردن بر مدعایی است و برای اتمام حجت انجام می‌شوند؛ ولی مناشده، احتجاجی درون‌دینی است با صیغه مناشده و سوگندانه، و با درخواست گواهی و اقرار بر حقیقتی. در مناشدات مظلومانه امیرالمومنین (ع) گونه‌ای ناله‌ی فریادرسی، دادخواهی و ستم‌دیدگی هم نهفته است.
- ۲- امام علی (ع) و امام حسین (ع) و برخی یاران‌شان مانند محمدبن‌ابی‌بکر در سبک و قالب مناشده و نیز حتی برخی مخالفان ایشان مانند عمرو عاص، مأمون و عمر بن عبدالعزیز از طریق احتجاج در برابر دیگران، در صدد اثبات یا یادآوری فضایل ویژه امیرالمومنین (ع) برآمده‌اند.
- ۳- امیرالمومنین (ع) با تبیین و یادآوری فضایل انحصاری و ویژه‌ی خویش به شیوه مناشده، چه پیش از خلافت و چه پس از خلافتش، حق ولایت و هدایت فرد و جامعه اسلامی را طبق فرمایش خدا و رسولش (ص) از آن خود می‌دانست.
- ۴- گام عملی حضرت (ع) در روز شورا، شرکت در آن، با وجود قرائن بر موافقت- نکردن با ایشان، بود. در گفتار نیز آن حضرت از شیوه مناشده و سوگندانه در اثبات و یادآوری حقانیت خویش به مردم و اعضای شورا استفاده نمود.
- ۵- گزارش مناشده امیرالمومنین (ع) در روز شورا از دو صحابی پیامبر (ص)، ابوطیفیل (با دو مناشده) و ابوذر نقل شده است، که این گزارش در منابع فریقین موجود است.
- ۶- این احتجاجات و مناشدات در فرصت‌ها و با مخاطب‌های مختلف، گویای تأکید حضرت (ع) بر حقانیت خویش و نپذیرفتن ولایت دیگران، جز به سبب مصلحت حفظ دین و امت اسلامی بود.

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

۱. نهج البلاغه، گردآوری سیدمحمد شریف رضی، (۱۴۱۴ق) تحقیق صبحی صالح، هجرت، قم.
۲. ابن‌أبی‌الحدید، عبدالحمید، (۱۴۰۴ق) شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ۲۰جلد، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۴۰۶ق) لسان المیزان، ۷جلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت.
۴. ابن حجر هیتمی، احمد، (۱۴۲۵ق) الصواعق المحرقة فی الرد اهل البدع و الزندقه، المکتبه العصریه، بیروت.
۵. ابن طاووس، سیدرضی‌الدین علی بن موسی، (۱۴۰۰ق) الطوائف فی معرفه مذاهب الطوائف، تحقیق عاشور علی، ۲جلد، خیام، قم.
۶. ابن قتیبه الدینوری، عبدالله، (۱۴۱۰ق) الإمامه و السیاسة (تاریخ الخلفاء)، تحقیق علی شیری، دارالأضواء، بیروت.
۷. ابن مردویه اصفهانی، (۱۴۲۴ق) مناقب علی بن أبی طالب علیهما السلام، چ دوم، دار الحدیث، قم.
۸. ابن‌المغازلی، علی بن محمد الجلابی، (۱۴۲۴ق) مناقب الإمام علی بن أبی طالب علیهما السلام، تحقیق محمدباقر بهبودی، چ سوم، دارالأضواء، بیروت.
۹. ابن‌المغازلی، علی بن محمد الجلابی، (۱۴۱۴ق) مناقب أهل البيت علیهم السلام، تحقیق محمد کاظم محمودی، المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الإسلامیه، تهران، ۱۴۲۷ق.
۱۰. ابن‌منظور، محمد، لسان العرب، تحقیق جمال‌الدین میردامادی، چ سوم، ۱۵جلد، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت.
۱۱. اخطب خوارزم، موفق بن احمد، (۱۳۸۸ق) المناقب، با مقدمه سیدمحمد رضا موسوی خراسان، المطبعة الحیدریه، نجف. (کتابخانه دیجیتالی نور)

۱۲. اخطاب خوارزم، موفق بن احمد، (۱۴۱۱ق) المناقب، تحقیق مالک محمودی، با مقدمه جعفر سبحانی، چ دوم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم. (نرم‌افزار نور)
۱۳. استادی، کاظم، (۱۴۰۰) اسرار آل محمد - صلی الله علیه و آله - و سلیم بن قیس، با مقدمه محمد هادی یوسفی غروی، مؤسسه بوستان کتاب، قم.
۱۴. امینی، عبدالحسین، (۱۴۱۶ق) الغدير فی الكتاب و السنه و الأدب، ۱۱ جلد، مرکز الغدير للدراسات الاسلاميه، قم.
۱۵. باقرزاده، عبدالرحمن و حسینی، زینب السادات، «یوم الرحبه و تحلیل مواجهه شاهدان غدیر خم با آن»، پژوهش‌نامه امامیه، سال سوم، ش ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۵۳-۷۸.
۱۶. البلاذری، أحمد بن یحیی، (۱۴۰۰ق) انساب الأشراف، تحقیق احسان عباس، ج ۵، جمعیه المستشرقین الألمانیه، بیروت. (نرم‌افزار نور السیره)
۱۷. البلاذری، أحمد بن یحیی، (۱۹۳۶م) انساب الأشراف، ج ۵، دانشگاه اورشلیم.
۱۸. حموئی جوینی، ابراهیم، (۱۴۰۰ق) فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الأئمه من ذریتهم علیهم السلام، تحقیق محمد باقر محمودی، ۲ جلد، مؤسسه المحمود، بیروت.
۱۹. دیاری بیدگلی، محمد تقی، تجری، محمد علی، دهقان منشادی، مهدی، «تحلیل رویکردهای حدیثی علامه امینی پیرامون احادیث مناشده در کتاب الغدير»، مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال هجدهم، ش ۷۰ «ویژه کتابشناخت متون امامیه»، بهار ۱۴۰۰، ص ۱۳۳-۱۶۵.
۲۰. سلیم بن قیس، (۱۴۱۵ق) کتاب سلیم بن قیس، تحقیق محمد باقر انصاری زنجانی، ۳ جلد، الهادی، قم.
۲۱. طباطبائی، سید عبدالعزیز، (۱۴۱۷ق) أهل البيت فی المكتبة العربیة، آل البيت، قم.
۲۲. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق) الاحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق سید محمد باقر موسوی خراسان، نشر مرتضی، مشهد.
۲۳. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ق) الأمالی، دار الثقافة، قم.

۲۴. عسکری، سیدمرتضی، (۱۴۲۴ق) سقیفه، به کوشش مهدی دشتی، دانشکده اصول الدین، [قم].

۲۵. الفراهیدی، الخلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق) العین، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، چ دوم، ۹جلد، مؤسسه دار الهجره، قم.

۲۶. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق) مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، چ دوم، ۲۶جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران.

۲۷. مظفر، محمدحسن، (۱۴۲۲ق) دلائل الصدق لنهج الحق، ۶جلد، مؤسسه آل البيت ع، قم.

۲۸. معرفت، محمدهادی، (۱۴۱۸ق) التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ۲جلد، الجامعة الرضویة للعلوم الإسلامیة، مشهد.

۲۹. مقاتل بن عطیه، (۱۴۲۳ق) أبهی المداد فی شرح مؤتمر علماء بغداد، شرح محمد جمیل حمود عاملی، با مقدمه سید شهاب الدین مرعشی نجفی، ۲جلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت.

۳۰. نسائی، احمد بن شعیب، (۱۳۸۲) خصائص أمير المؤمنين [ع]، ترجمه فتح الله نجارزادگان (محمدی)، بوستان کتاب، قم.

۳۱. هدایت پناه، محمدرضا، (۱۳۹۵) منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم، چ دوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.

۳۲. اینترنت

۳۳. انتصاری، محمدحسین و یوسفی، مجتبی، «بررسی اشکالات وارده به کتاب سلیم بن قیس هلالی»، ۱۳۸۹/۱۱/۵:

34. <https://pajoohe.parsiblog.com/Posts//27>.

35. <http://mojeroya.blogfa.com/page/a3>.

۳۶. انصاری، حسن، «مناقب خوارزمی و نسخه ای کهنه از آن»، ۱۳۹۰/۴/۲۲:

۳۷. بررسی های تاریخی - مناقب خوارزمی و نسخه ای کهنه از آن (kateban.com).